

ای همسفران، کعبه مقصود همین جاست
جایی که توان یک نفس آسود همین جاست
این مهبط نور است و سراپرده‌ی خورشید
ساجد به همین ساحت و مسجود همین جاست
جایی که پیام‌آور گل، عشق خدا را
در گوش جهان زمزمه فرمود همین جاست
جایی که در آن صوت سماواتی قرآن
خوشر بود از نغمه داوود همین جاست
جان‌ها همه مسحورش و دلها همه مجذوب
کز هر دو جهان مقصد و مقصود همین جاست
آسودگی خاطر آشفته در این خاک
وارستگی جان غم‌آلود، همین جاست
گردیده فرو شسته‌ای از نقش تغافل
یک صحنه هم از جنت مسعود همین جاست
پرسید گر از خانه‌ی آن دوست سواری
ای همسفران خانه موعود همین جاست